

پرنت اصلاح نهایی گردید

حقوق زن از نظر اسلام

در شماره حمل سال ۱۳۹۱ بچاپ پرسیده است:

مولوی غلام محمد "جویا"

حمد و ستایش خدایی را سزاوار است که همه انسان‌ها را از یک نفس واحد آفریده است. و از جنس همان نفس نیز همسرش را آفریده تا بد ان آرامش یابد. پس پاک و منزه است آن خدائی که همه موجودات نرماده را آفریده است. اعم از آنچه از زمین می‌روید و از خود آنان و از چیزهایی که ایشان نمی‌دانند.

در رود و سلام بر پیشوای ما، حضرت محمد ﷺ هر خیر و پیامبر حمت و برآں و اصحاب او که راه اور اعمال کرده اند الی یوم القیامه

اول انسانیت زن:

دین مقدس اسلام از جنبه نظریه انسانیت زن، با همه ادیان و افکار ملت‌های پیشین از آن فرق و تفاوت دارد. دین مقدس اسلام از این دیدگاه حقوق و وظایفی برای زن قائل است که حد وسط بین افراط و تغفیر بوده در این مورد ثابت و غیر متغیر است. وزیر بنای تفکر اسلامی در برابر زن به حساب می‌آید. و آنرا با ملاحظات خارج از خود در نظر نگرفته است، تادر معرض تغییر و تبدیل باشد. همان‌گونه که نزد ملل دیگر همواره دست خوش تغییر و تبدیل بوده است. لذا اسلام دیدگاه جامعه و مردم را نسبت به زن درجهٔ درستی قرارداده و پیوند میان زن و مرد را بر اساس عدالت و برآبری انسانی قرارداده هر دور اشاخه یک سنه واحد به حساب آورده و این تفکر پوج و بی مفهوم را که زن ذاتاً از مردم منحطه و کمتر است در هم ریخت و باطل ساخت و مشارکت هر دور از رهم زیستی بشری و وحدت معنوی انسانی بیان داشت. خداوند ﷺ می‌فرماید ﴿يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَّبَلِّلَنَاكُمْ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَكُمْ﴾ الحجرات: ۱۳ (ای مردمان! اما شمار از مردو زنی آفریدیم و شمار اقبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند ﷺ متقدی ترین و پرهیزگار ترین شما است) خداوند ﷺ در این آیه اخوت و پیوند نسبی میان زن و مرد را مقرر داشته و هر دور را به لفظ (ناس) که شامل همه افراد انسان است. خوانده است که همه را از یک پدر ویک مادر آفریده است. و هر دو نسبت به هم شیفت و هم تابه حساب می‌آیند که پیغمبر ﷺ فرمایند:

(اما النساء شقائق الرجال) «(۲۲)» به راستی زنان همتای مردانند، اخوت و اشتراک نسیی مقتضی مساوات است. چون یکی از دو شقیق در نسبت به پدر و مادر بسیار بیشتری ندارد. و به قول دانشمند بھی الخولی زن بدون کم وزیاد در نسبت با مردم مساوی است (۳) برای تأکید بر این مساوات و تکافو انسانی میان آن دو بسیار هریک را از نظر کرامت نزد خداوند ﷺ منوط به تفاوت در تقوی و انجام اعمال صالحه قرارداده است. نه نفس دائره انسانیت، چون انسانیت هر دویگسان است. آنچه که نزد خداوند ﷺ می‌فرماید ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَكُمْ﴾ الحجرات: ۱۳ وقتی‌که خداوند ﷺ مردو زن را از یک اصل واحد آفرید، زن را به عبث و بدون فائد نیافریده است. بلکه خداوند ﷺ متنقش مهم انسانی زن را بیان فرموده است ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تَقْسِيرٍ وَّجَدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ الأعراف: ۱۸۹ (۴) (او آن کسی است که شمار از یک شخص آفریده و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را نش از آرام

گیرد باوی) بلکه آرامش و اطمینان روحی آن هر دو به گمک همدیگر را یکی از اهداف، این آفرینش قرار داده تا به گمک همدیگر این کره زمین را آبادسازند وزن را آفرید تا شریک زنده گی مرد باشد و آرامش، فراغت خاطرخویش را باوی به دست آورد. محبت و دوستی آن دو باهم نعمتی است بزرگ گه خداوند جَلَّ بِرَبِّهِ مَرْدَان منت نهاده است. و این خود جای پند و عبرت است که می فرماید وَمَنْ عَالِيَّهُ
 آنَ حَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَرْوَاحًا لِتَشْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ يَنْتَكُمْ مَوَدَةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذَّاتٍ لِقَوْمٍ يَنْفَكِرُونَ الروم: ۲۱
 (ویکی از نشانه های خدا این است که از جنس خود تا همسرانی را برای شما آفرید تا در گنار آنان بیارامید و بین شما و ایشان مهربومحبت اند اخوت، مسلماندار این گونه خلقت نشانه ها و دلالی بر عظمت و قدرت خدا است برای افرادی که می اندیشنند و به همین خاطراشتراک در عنصر انسانی است که مرد را والد وزن را والده نامیده اند و قرآن مجید هر دور ایکسان شایسته اجلال و احترام دانسته و هدایات فراوانی درباره حقوق و تشویق احسان و اکرام به هر دو به عمل آورده است که بیانگر اصل انسان و تکون ایشان است چنانچه خداوند جَلَّ بِهِ فَرَمَى فرمایند: وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِإِلَهٍ لَا يُحْسِنُ إِلَّا هُنَّا النساء: ۳۶ (خدارا عبادت گنید، هیچ چیزی را شریک او نسازید. و به پدر و مادر نیگی کنید).

دوم مساوات: دکتور علی عبد الواحد «وافي» در کتاب المرأة في الإسلام - صفحه ۳۸ - ان میگوید!

مفهوم از مساوات آن است که هیچ گدام از این جنس، در طبیعت بشری وزیرینای انسانیت بر دیگری برتری و فضليتی ندارند. و تفاضل و برتری یکی بر دیگری به چیزهای مربوط است که خارج از طبیعت انسانی آن دو بوده است. مانند: علم و اخلاق، تقواو امثال آن و هرگاه در این مسائل با هم مساوی باشند تفاصلی وجود نداشت از تفاوت منوطه به تفاوت در استعداد و درایت و امثال اینگونه مسائل است. و در مسائل ذیل مساوی است.

۱- مساوات در عقیده: یعنی هر دو در عقیده و ایمان با هم مساوی است. ویکی بر دیگری امتیاز ندارد. و آیات متعدد در قرآن بدین مطلب اشاره دارد. ومن جمله بطور مثال خداوند جَلَّ بِهِ مَيْفِرِيد: وَمَا كَانَ لِتُؤْمِنِنَّ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ الأحزاب: ۳۶ (هیچ مرد وزن مؤمن در گاری که خدا پیغمبرش داوری کرده باشد اختیاری از خود در آن ندارد) (وموجب اضاعت هر دو است).

۲- مساوات در زمینه انجام اعمال صالحه و ثواب و پاداش اخروی آن، خداوند جَلَّ بِهِ مَيْفِرِيد:

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَفِيرًا النساء: ۱۲۴
 (۱) (کسی که اعمال صالح انجام دهد و مؤمن باشد خواه مرد باشد و خواه زن داخل بهشت می شوند و کم ترین ستمی به آنها نمی شود)

۳- مساوات در زمینه مالکیت و تصرفات اقتصادی هر دو جنس مساوات گامی دارند.

زن در خرید، فروش، هبه، شرایط، حواله، رهن و وقف دارای شخصیت گامی واراده آزاد است.
 و ولی اوجزبا اجازه ویا وکالت حق ندارد را موال اوتصرف نماید.

و می تواند وکالت ولی خویش را ملغی سازد و یا اگر لش خواست غیرولی را وکیل خود نماید همانگونه که در گذشته فقهی آمده است. چنانچه خداوند ﷺ میفرماید: ﴿لِرَجَالٍ نَصِيبٌ مَمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِسَاءِ نَصِيبٌ مَمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ كَمَا

قلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا﴾ النساء: ۷ (۱۰) (مردان وزنان را از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بجا می گذارند. سهمی است خواه ترکه کم باشد و یا زیاد سهم هریک را خداوند ﷺ مشخص و واجب گردانیده است) بدینهی است که بهره انسان از ترکه یا غیر آن در حیات و مالکیت وی میباشد و مادامی که از طریق اکتساب شرعی به وی بر سداداری تصرف کامل در آن مال است مرد باشد و یا زن مهریه و گایین از جمله اموالی است که در اختیار زن است. اولیاء وهم شوهران حقی در آن ندارند. و منی توانند بدون اجازه اود رآن تصرف کنند همانگونه که قبل از اسلام نیز نزد عرب ها و رومیان چنین بوده است خداوند ﷺ میفرماید:

﴿وَإِنَّ الْأَنْسَاءَ صَدُّقَتِنَّ حَلْلَةً فَإِنْ طَبَنَ لَكُمْ عَنْ شَغْوٍ مِنْهُ قَسْأًا فَلَكُوهُ هَيْسَعَامَرِيَّةَ﴾ النساء: ۱۱) مهریه های زنان را به عنوان هدیه خالصانه و فرضیه ای خداوند ﷺ پردازید پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشید آنرا حلال و گوارا مصرف نمایید) اسلام در زمینه ازدواج، به زن تضمین های کافی داده است به گونه ای که سعادت شخصی وی را در ازواج تأمین نماید، از قبیل واجب و لازم بودن اجازه گرفتن ازوی و جلب رضایت اور چیزی که به زنده گی وی اختصاص دارد لذا جبار وی بر ازدواج و نادیده گر فن نظر او حرام است. چنانچه پیغمبر ﷺ فرموده است .(الاتنکح لایتم حتى تسمة امر ولا تنكح البكرحتى تستاذن قالوا يار رسول الله وكيف ذا نها قال ان تسكت) (۱۲) (زن بیوه را پیش ارسیب اجازه وی نباید نکاح کرد. گفتند: ای رسول خدا چگونه می توان از او رسیب اجازه گرد. فرمود: اگر سکوت گرد به منزله رضایت است ذکوان غلام حضرت عایشه گوید: از عایشه شنیدم که میگفت درباره نکاح دختری که خانواده اش اور نکاح میکنند از پیامبر ﷺ سوال کردم، آیا از اطلب دستوربه نکاح میشود یا خیر؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری ازوی طلب دستوربه نکاح میشود. گفتم او شرم و حیاء میکند که حرف بزند پیامبر ﷺ گفت: هرگاه سکوت گرد این به منزله اذن و رضایت دادن است و حدیث مرسلي در سنین بیهقی به روایت از عبد الله بن بريده آمده است که دختری نزد حضرت عایشه آمد و گفت پدرم عقد نکاح من را بابرادرزاده اش بسته است. تابدینو سیله خساست و پستی وی را از خود دفع کند و من از آن ناراضیم. عایشه گفت: بنشین تا پیامبر ﷺ می آید. آن وقت این قضیه را برای اوبیان گن سپس پیامبر ﷺ به خانه برگشت و آن قضیه را برایش گفت: پیامبر ﷺ کسی را به دنبال پدرش فرستاد، چون پدرش آمد پیامبر ﷺ اختیار آن نکاح را در اختیار آن دختر قرارداد، وقتی آن دختر دید که پیامبر ﷺ اختیار را بدست، وی داد گفت: حالا اجازه دادم برآنچه پدرم انجام داده است بد ان جهت این کار را انجام دادم تا بد انم که آیازمان حقی دارند یا خیر؟

شریعت اسلامی تا آنچه به رأی و نظر زن اهمیت داده حتی علماء حنفی در قضیه ازدواج جایز می دانند که زن عاقل و بالغ به قیاس

بر تصرف اور اموالش بدون مراجعته به ولی، خود شخص ابدون ولی نکاحش را بینند و از نظر دیانت ازوی می خواهند که ولی اور نکاح گندتا به وفا هت نیانجامد. و ولی حق ندارد دختر دشیره با لغه خود را به اجبار و اگر اه نکاح گند.

خداوند ﷺ میفرماید: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ إِمَّا تُؤْمِنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْنُو الْأَنْسَاءَ كَرَّهًا وَلَا تَعْصُلُوهُنَّ لِتَذَهَّبُوا بِعَيْنِ مَآءَ اتَّيْمُوهُنَّ﴾ النساء: ۱۹ (۱۳) (ای کسانی که ایمان آورده اید برای شمار درست نیست که زنان را همچون گالابه ارث ببرید و حال آنکه آنان چنین

کاری را نمی پسندند و آنرا تحت فشار قرار ندهید که بدین وسیله برخی از آنچه را که برای شان داده اید بدست آورید)

۵- در زمینه آموزش و تعلیم : دستورات دین مقدس اسلام درباره علم و فرآگیری آن و مکانت و منزلت علماء از درخشان ترین حقیق است . و حی آسمانی بر پیامبر ﷺ / امریه قرائت شروع شده و خداوند ﷺ عَلَمَ الْإِنْسَنَ مَا لَمْ يَتَمَّمُ ^{العلق: ۳} (توصیف نموده است . گلیمه انسان یکسان شامل مردوزن می شود ولذا نصوصی که درباره علم و علماء آمده است عام است برای زنان و مردان همانگونه که درباره اعتقادات و اخلاق و اعمال عبادی وغیر عبادی نیز در قرآن صیغه های عام و برای هر دو جنس مردوزن به کاررفته است . مگر در صورت های استثنائی علاوه بر این صیغه به کاررفته در آیات زیر که شامل هر دو جنس می شود ^{﴿هُلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الزمر: ۹} (آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی اند ^{﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الظَّلِمُوا﴾}) ^{فاطر: ۲۸} (انما يخشي الله من عباده العلماء) «(۵)» (نهایت بندگان داناد اشمند از خد امیترسند) ^{﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ}

چنانچه درباره مطلق امریه کتاب درآید **﴿وَلَيَكُتُبَ بَيْتَكُمْ كَاتِبٌ بِالْمَكْذُل﴾** البقرة: ۲۸۲ «(۱)» شامل و فراگیری کتابت زنان نیزمنی شود. در احادیث صحیح تأکید شده است که زنان باید هم چون مردان خواندن ونوشتن وآموزش دیگر اموری دینی و زنده گی را فراگیرند. از جمله کتاب بخاری در باب (تعلیم الرجل أمهه و اهله) به نقل از ابی برد، از پدرش آمده است که: پیغمبر ﷺ کفت (ثلاثة لهم أجر) رجل من أهل الكتاب آمن بنبيه وآمن بمحمدو العبد المملوك، إذا أدى حق الله وحق مواليه ورجل كانت عنده أمة فأدبه بأحسن وأديبهها وعلمه بأحسن تعلمها ثم اعتقها فترزوجها) (۲۰) سه کس اجر و پاداش دوبرابرند: مردی از اهل کتاب که علاوه بر پیامبر خود به محمد نیز ایمان آورده است. دیگری برد مملوکی که حق خدا و حق صاحب حق رانیر انجام می دهد و نیگومی آموزد، سپس آزادش میکند و با اوی ازدواج میکند دلیل واضح برائیست که چنانچه دستور و هدایت اسلام درباره گنیز چنین باشد. پس درباره زن آزاد چگونه است؟

برادران مسلمان اپیغمبر ﷺ همیت و ارزش ویژه به زن داده است به دلیل روایتی که ابوسعید خدری (رض) نقل گرده است که (زنان) به پیامبر ﷺ سفته شدند پارسوسن ان الله مردان نزد توغلبه گرده اند، روزی را اختصاص ابیرای ما تعین کن، پس اپیغمبر ﷺ روزی به آنان وعده داد و بآنان ملاقات گرد و پندا و اندرزشان داد و دستوراتی به آنان گفت. صحیح البخاری درباره اینکه امام باید زنان را پنده دهد و مسائل دین را به آنان بیاموزد در صحیح خود آوردہ است. که ایوب گفت: از ابن عباس شنیدم که گفت: اپیغمبر ﷺ برای ملاقات زنان بیرون رفت و بلای همراه وی بود که اپیغمبر ﷺ زنان را پندا و اندرزد و آنان را امر به صدقه نمود، زنان گوشواره و انگشت‌های خود را می‌آوردند و حضرت بلاط آنها را در دامن جامه خود جمع می‌گرد. فتح الباری شرح صحیح البخاری جلد اول صفحه ۱۷۳ و همچنان داستان زنی که نکاح خود را در اختیار پیامبر ﷺ نداشت و یکی از یاران علی الرغم تلاش و گوشش می-

گردمالی نداشت و از پیغمبر ﷺ خواست که آن را به عقد نکاح وی درآورد پیامبر ﷺ گفت: حالا که مالی نداری چقدر از قرآن را حفظ هستی؟ گفت: چند سوره از قرآن را حفظ هستم. پیامبر ﷺ گفت برو این زن را به عقد ازدواج تودرآوردم به شرط این که این چند سوره را به او بیاد بدی هی صحیح المسلم بشرح نووی ۲۱۱ وفتح الباری - ۱۱۳ این خود شاهد بسیار نیرومندی براین است که اسلام تاچه اندازه بر تعلیم زن حريم می باشد.

بلکه اقبال زنان مسلمان برگسب معلومات از پیغمبر ﷺ حتی در مسائل ویژه زنان، عایشه (رض) را برآن داشت تا بگوید (بررسی زنان انصاری کوزنانی هستند که حیاء مانع آن نشد از اینکه مسائل دین خویش را یاد بگیرند) پیغمبر ﷺ تعلیم کتابت را به زنان مقرر داشته است، زیرا ابوداود با سند خود از شیفیا، دختر عبد الله عدوی نقل کرده است که گفت: من نزد حفصه همسر پیامبر ﷺ بودم که پیامبر ﷺ به خانه آمد و به من گفت (چرا اوردنمله را به حفصه یاد نمی دهی همانگونه که کتابت را به وی یاد داده ای) خانم شیفه دختر عبد الله عدوی زنی بود که در دوره جاهلی کتابت را می دانست و به زنان جوان یاد می داد و حفصه دختر حضرت عمر بن خطاب پیش از آن که با پیغمبر ﷺ ازدواج گندخواندن و نوشتن را از آن زن آموخته بود. مأخذ بلاذری فتوح البلدان صفحه ۴۵۸ و همچنین زنان دانشمند فراوانی در تاریخ اسلام در عرصه علم و دانش دین و فقه درخشیده که در مقدمه آنها حضرت عایشه و ام سلمه و حفصه از زنان پیامبر ﷺ ارنده که عایشه و ام سلمه قرائت و خواندن را بذبودن دولی نوشتن را نیگونی دانستند ولی حفصه هر دورانیکومی دانست.

در فرجام واصل مرام با ید گفت که دین مقدس اسلام گامتلرین و جامع ترین ادیان آسمانی و قانون الهی در جامعه بشری به حکم آیه (الیوم اکملت لكم دینکم) آیتی از قرآن مجید که بر سرور گانهای و اشرف مخلوقات، سردارگوئین و سید الشقلین علیه افضل و اکمل الحیات شرف نزول یافته و در آن قواعد و قانون عدل، انصاف، تعاقون و تعادل، مساوات و برابری در حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، فردی و خانواده‌گی بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، سمت، مکان، کلام و بیان، جایگاه و مقام من جمله زنان و مردان در اوراق و مسائلی که هم چون قطره از بحر می‌کران در لالهای صفحات محدودی نظر به گنجایش و حوصله خواننده‌گان و تو ان مجله پیام حق در نظر گرفته به پیشگاه شما عزیزان تقدیم نموده و از بارگاه رب العلمین مسئلت می دارم تا دیده بصیرت و گوش شنواری برحق و تطبیق قواعد و قانون شریعت در گانون خانواده، اجتماع و سیاست این ملت مظلوم و به خون خفته، در بدر، آواره بیچاره در حال غربت و سفر روی اهداف آرمانهای اسلامی خویش ناخود آگاه خون می دهنده توفیق وحدت و دیانت، صلح، صفا، خدمت و صداقت، عدل انصاف را در پرتوعلم و معرفت و عمل مخلصانه برای حق نصیب مابگرداند بحرمت سید المرسلین بر حمتك یا ارحم الرحمین والسلام

مأخذ:

- ۱- سوره حجرات آیه ۱۳- جزء ۲۶ حم
- ۲- سنن دارمی ۱-۱۹- ابوداود ۱-۱۶۲
- ۳- اسلام و المرأة المعاصر- ص ۲۰
- ۴- اعراف آیه ۱۸۴- جزء نهم قرآن مجید
- ۵- سوره روم آیه ۲۱- جزء اتل ما او حی ۲۱
- ۶- سوره النساء آیه ۳۶- جزء پنجم والمحصن

- ٧- سوره الحزاب آيه ٣٦ جزء ٢٢ قرآن مجید
- ٨- سوره النساء آيه ١٢٤- جزء پنجم والمحضت
- ٩- الہدایہ شرح بنایہ عینی ج ٧- صفحہ ٣٧٥
- ١٠- سوره النساء آیہ ٧- جزء پنجم والمحضت
- ١١- سوره النساء آیہ ٤ جزء پنجم والمحضت
- ١٢- شرح ندوی برمسلم - ٢٠٢
- ١٣- سوره النساء آیہ ١- جزء پنجم والمحضت
- ١٤- زمر آیہ - جزء ٢٣ و مالیہ
- ١٥- سوره فاطر آیہ ٢٧- جزء ٢٢ ومن یقنت
- ١٦- سوره مجادله آیہ ١١- جزء ٢٧ قد سمیع الله
- ١٧- سنن ابن ماجہ ج ١- ٨١
- ١٨- فلسفہ نظام الأسرة فی الإسلام
- ١- سوره البقرہ آیہ ٢٨٢- جزء سوم تلك الرسل
- ٢٠- فتح الباری ص - ١٧٠